

National Security Approach to the Iranian Islamic Pattern of Civil Progress

Alireza Sadra¹

1. Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran; sadra@ut.ac.ir

Received: 9 April 2019; **Revised:** 20 June 2019; **Accepted:** 11 August 2019

Abstract

The issue of the current study is to provide security, including in basic pattern documents to a detailed pattern at both state and national levels. The mean of the security of the country is the civil development of the Islamic Republic and its pattern in the field of security development is the model and subdivision of the civil development policy of the Islamic Republic of Iran and its pattern. National security must be considered as the equivalent of civil security in the social and political domains. Securing means civil progress. The security approach in this paper is equivalent to the process of national development and security of progress patterning, and the strategy of providing, explaining, drawing, promoting, and in particular achieving the progress pattern. The key question is what are the origin, position and role of national security in patterning progress and in the progress pattern? The hypothesis is that national security is provided by economic security, political security, and cultural-moral security. The methodology of this study is according to the analysis of the text and the desired content includes the progress basic pattern documents.

Keywords: Approach, Security, National, Pattern, Islamic, Iranian, Progress, Civic

رویکرد امنیت ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

علیرضا صدرا^۱

۱. دانشیار، دانشگاه تهران، تهران: sadra@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۹۸/۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۰

چکیده

مسأله‌ی پژوهش حاضر، تأمین امنیت، از جمله در اسناد الگوی پایه به‌سوی الگوی تفصیلی در دو سطح کشوری و ملی است. مراد از امنیت کشور، پیشرفت مدنی جمهوری اسلامی و الگوی آن در بخش پیشرفت امنیتی الگو و زیربخش سیاست پیشرفت مدنی نظام جمهوری اسلامی ایران و الگوی آن است. امنیت ملی را باید معادل امنیت مدنی دانست که در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی مطرح‌اند. تأمین امنیت به‌معنای پیشرفت مدنی است. رهیافت امنیت در این مقاله معادل فرایند پیشرفت ملی و امنیت الگوسازی پیشرفت دانسته شده و راهبرد تأمین آن، تبیین، ترسیم، ترویج و به‌ویژه تحقق الگوی پیشرفت می‌باشد. پرسش اصلی این است که خاستگاه، جایگاه و نقش امنیت ملی در الگوسازی پیشرفت و در الگوی پیشرفت چیست؟ فرضیه‌ی آن است که امنیت ملی، فراهم‌آمده از امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و امنیت فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی است. روش‌شناسی این تحقیق بر پایه‌ی تحلیل متن استوار بوده و محتوای مورد نظر، اسناد الگوی پایه پیشرفت می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: رویکرد، امنیت، ملی، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت، مدنی.

بیان مسأله

امنیت ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی، مراد امنیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. منظور تأمین توسعه اقتصادی، توأمان با تحقق تعادل سیاسی در جهت تضمین تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی است. امنیت ملی، هم مقدمه و نقطه‌ی آغاز الگوسازی پیشرفت مدنی نظام اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران است؛ هم لازمه و محوریت عزیمت آن است. حتی به‌اعتباری، امنیت برتر، غایت الگوسازی پیشرفت نیز بوده و به‌شمار می‌آید. امنیت ملی در الگوسازی پایه‌ی پیشرفت، دارای مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر امنیتی ملی عام و خاص خویش می‌باشد. امنیت ملی الگوی پیشرفت، اول؛ ریشه در مبانی عام الگوی پیشرفت دارد. دوم؛ غایت آن در آرمان‌های عام الگوی پیشرفت است. سوم؛ ارتقای آن، رسالت عام الگوی پیشرفت می‌باشد. چهارم؛ تأمین امنیت ملی، در افق عام الگوی پیشرفت است. پنجم؛ سیاست امنیتی ملی در تدابیر عام الگوی پیشرفت گنجانده شده است. امنیت ملی، الگوی امنیت ملی پیشرفت و هم‌چنین الگوی پیشرفت امنیت ملی، وجه امنیتی و عنصر امنیت الگو و جزء اساسی و محوری الگوسازی پیشرفت است. درعین‌حال، زیربخش سیاست الگوی پیشرفت نیز می‌باشد. همان‌طوری که زیرمجموعه‌ی الگوی سیاست پیشرفت و به‌ویژه الگوی پیشرفت سیاسی است.

مراد از الگوی تفصیلی پیشرفت، تفصیل اجمال، اجزای کل (حتی جزئیات کلیات) و فروع اصول الگوی پایه، اجمالی و کل (و کلی) و اصلی امنیت است. بدین سبب و بدین ترتیب تفصیل امنیت ملی در الگوی تفصیلی پیشرفت یا الگوی تفصیلی امنیت ملی به اجزا و فروع امنیت ملی پیشرفت مدنی و الگوی امنیت ملی در الگوی پیشرفت مدنی می‌پردازد.

ارتباط مقاله با الگوی پایه‌ی پیشرفت کشور به حیث تبیین و تفصیل وجه و زیربخش امنیتی الگوی پایه به‌منظور گذار به تفصیل الگوی پیشرفت و الگوی تفصیلی پیشرفت، به‌ویژه با رویکرد امنیتی برمی‌گردد. این مقاله به محور: الف. رویکردهای الگوی پیشرفت؛ ۴. رویکرد امنیتی و دفاعی به الگوی پیشرفت کنفرانس مرتبط است و بخش امنیتی الگوی پایه را مورد بررسی قرار می‌دهد. مراد وجه امنیتی الگوی پیشرفت، زیربخش امنیتی بخش سیاسی الگوی پیشرفت مدنی، اجتماعی و

سیاسی است. به تعبیر دیگر، منظور امنیت و پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی مورد کاوش و گزارش است.

این مقاله به سوالات اساسی در رابطه و نسبت امنیت یا وجه امنیتی با اسناد، یعنی محورهای پنج‌گانه‌ی الگوی پایه‌ی پیشرفت کشور، پرداخته و پاسخ می‌دهد. محور سوالات شامل: ۱. رویکرد امنیتی و دفاعی (سند و محور) مبانی الگوی پیشرفت؛ ۲. رویکرد امنیتی و دفاعی (سند و محور) آرمان و نظام آرمان‌ها و آرمانی الگوی پیشرفت؛ ۳. رویکرد امنیتی و دفاعی (سند و محور) رسالت الگوی پیشرفت؛ ۴. رویکرد امنیتی و دفاعی (سند و محور) افق الگوی پیشرفت و ۵. رویکرد امنیتی و دفاعی (سند و محور) تدابیر الگوی پیشرفت می‌باشند.

بحث اصلی مقاله رویکرد و موضوع امنیت ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی است. به سبب این‌که از سویی امنیت کشوری و ملی در مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر عام و پایه‌ی الگوی پیشرفت مدنی ریشه دارد؛ از سوی دیگر خود نیز دارای مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر خاص و عرصه‌ای بخشی سیاسی و زیربخشی امنیتی است.

اول. مبانی عام امنیتی ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

۱. امنیت ملی در مبانی عام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی؛

۲. مبانی الگوی اسلامی ایرانی امنیتی ملی پیشرفت مدنی.

الف. مبانی پایه‌ی امنیت ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

مرور مبانی نظری و پیشنهادی موضوع در داخل و خارج کشور (مرور فعالیت‌های علمی و پژوهشی که در زمینه‌ی موضوع مقاله تاکنون انجام گرفته است، با ذکر مرجع، رویکرد امنیتی (ملی و کشوری) اسناد محورهای ۵ گانه‌ی الگوی پایه‌ی پیشرفت تاکنون توسط هیچ مرکز، مرجع و منبعی صورت نپذیرفته و گزارشی در دسترس نیست. این مقاله نخستین اثر از این دست می‌باشد. اما رویکرد امنیتی در اسناد مربوطه جریان داشته و بایسته و شایسته است که چنین باشد. بنابراین در این مقاله، این اسناد الگو با رویکرد امنیتی بازنگری می‌شوند.

طبق آخرین پیش‌نویس سند الگوی پایه‌ی پیشرفت مدنی که توسط مرکز الگوی پیشرفت فراهم شده، مبانی عام و پایه‌ی امنیتی الگوی پیشرفت به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱. **مبانی خداشناسی:** خدا، مبداء و غایت و اسمای حسنا و صفات کمال؛ جلال و جمال خدایی: پیشرفت مدنی و امنیت ملی آن است (سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷: ۵-۴).
۲. **مبانی جهان‌شناسی:** نظام احسن جهان، بستر و گستره‌ی اصلی امنیت ملی بوده و محسوب می‌گردد (همان).

۳. **مبانی انسان‌شناختی:** انسان مدنی؛ امنیت‌نگر و امنیت‌گرا و درعین‌حال امنیت‌گذار و امنیت‌پذیر است (همان، ۳).

۴. **مبانی جامعه‌شناختی:** سبب فاعلی میانی امنیت ملی و درعین‌حال سبب مادی آن است (همان).

۵. **مبانی ارزش‌شناختی:** امنیت ملی؛ ارزش بنیادین و غایی و تأمین آن، بنیادین‌ترین و غایی‌ترین ارزش بعد از توحید است (همان، ۴).

۶. **مبانی دین‌شناختی (اسلام‌شناختی):** مکتب دینی مدنی توحیدی اسلام؛ راهبرد زیرساختی و زیرساخت راهبردی حدود مبانی امنیت ملی در الگوی پیشرفت است (همان).

امنیت ملی در الگوی پیشرفت مدنی و نیز الگوسازی امنیت ملی پیشرفت مدنی؛ با اهم مبانی شش‌گانه‌ی فوق قابل تبیین علمی، ترسیم عملی، ترویج عمومی و تحقق عینی است. برعکس نیز، الگوی پیشرفت و پیشرفت الگو نیز با تأمین امنیت با این مبانی قابل تبیین، ترسیم، ترویج تا تحقق است. در مورد نخست، به‌همین اشارت اجمالی بسنده می‌کنیم. اما کلیت مقالت به مورد دوم، یعنی رویکرد امنیتی اسناد پنج‌گانه‌ی الگوی پایه‌ی پیشرفت در حد گنجایش ظرفیت این مقاله می‌پردازد. تفصیل بیش از این به مجال مستوفا و مقالات مبسوطی نیازمند است.

ب. مبانی عملی یا اصول راهبردی امنیت ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

مبانی عملی یا اصول راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی می‌توانند مبانی عملی یا اصول راهبردی امنیتی ملی الگوی پیشرفت مدنی نیز بوده و در تبیین، ترسیم و ترویج تا تحقق

امنیت ملی الگوی پیشرفت و هم‌چنین در الگوسازی امنیت ملی پیشرفت مدنی مبنا قرار گرفته و کاربری راهبردی داشته باشند (همان، ۴-۵). البته این‌ها هم مبادی و هم مبانی امنیتی نیز هستند. در مواردی، مبادی حقیقی یعنی اسباب و علل و ارزش‌های بنیادین و (تا) غایی‌اند. در مواردی دیگر، مبانی یقینی، یعنی ماهیت و حدود بینشی، محسوب می‌شوند. از مبدا، بعید و حتی ابعاد، تا میانی، قریب و اقرب تا مباشرند. هم‌چنین از مبنا یا مبانی اعم و حتی عام تا عام، خاص و اخص و حتی خاص اخص را دربر می‌گیرند. مبدا، ابعاد، خداست. مبدا، بعید، مدبران امور هستی و سنت‌های الهی‌اند. مردم، مبدا میان‌اند. دولت یعنی نیرو و نهاد هیئت حاکمه، از رهبری تا قوای سه گانه‌ی تقنینی، اجرایی و قضایی، مبدا قریب امنیت‌اند. قوه‌ی مجریه (ریاست جمهوری و معاونین و ریاست‌های سازمان‌های مربوطه و هیئت وزیران)، مبدا اقرب می‌باشد. وزارت‌های سیاسی و به‌ویژه امنیتی و نیروها و نهادهای امنیتی اطلاعاتی، انتظامی اجتماعی و دفاعی نظامی، مبدا مباشر یعنی مستقیم و بلاواسطه‌ی تأمین و تضمین امنیت ملی‌اند. خدا، مبدا ابعاد امنیت است؛ مبدا مبادی امنیت نیز می‌باشد. مبدا امنیتی بعید و ابعاد یا دور و دورترینی که از هر قریبی نزدیک‌تر است. به‌اصطلاح از رگ گردن نزدیک‌تر است: «اَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸). غیرخدا، هم تنگناست: «ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ» (توبه، ۲۵) و هم تشتت است: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، ۱۲۴). تنگنا و تشتت موجب تعارض و تنازع است. جدال خیز و امنیت‌زداست. تهدید امنیت بوده و موجد ناامنی است. مبادی بعید، تکوینی (غیب و ملکوت) هستند. مراد اسباب نظام احسن جهان هستی و آفرینش است. به‌تعبیردیگر، یکی سنت‌های تحول و تبدیل‌ناپذیر پایدار جهان‌شمول و جاویدان خدایی حاکم بر نظام هستی و آفرینش‌اند؛ جامعه و جهان اسلامی نیز مشمول آن‌هاست. به‌سان اصل علیت، عدم تناقض و حسن امنیت و عدالت و نظم و نظام و دولت و امانت؛ به‌سان این‌ها که بایسته و شایسته‌ی زندگی مدنی می‌باشند. این‌ها امنیت‌آورند؛ غیر و ضد این‌ها ناامنی است. این‌ها درعین حال مورد درک عقلی و گرایش قلبی انسان‌ها هستند؛ به‌تعبیردیگر، این‌ها همان "معقولات

اولیه" (فارابی، ۱۳۶۱، ۲۲۳) یعنی اصول اولیه‌ی عقلی می‌باشند که «همه‌ی مردم در آن مشترک‌اند» (همان). «معقولات اول و مراتب نخستین علوم و معارف هستند» (همو، ۱۳۷۱، ۱۸۳).

از جمله‌ی ضرورت‌ها، زیبایی و مطلوبیت امنیت می‌باشد. مراد نگرش و گرایش امنیت یعنی امنیت‌نگری و امنیت‌گرایی است. دیگری به اصطلاح مبادی بعید، ملائک یا فرشتگان و همان مدبران امور می‌باشند. به‌ویژه مدبر امر نوع انسانی است. به‌خصوص همان سروش غیب و فرشته‌ی وحی یعنی جبرئیل امین و به تعبیر حکمی، عقل دهم یا عقل فعال است (همان، ۱۸۲).

مبانی عام اعم امنیت: امنیت مدنی بین مللی و جهانی می‌باشد. مبنای عام، امنیت مدنی امتی اسلامی است. مبانی میانی امنیت: امنیت مدنی منطقه‌ای می‌باشد. مبانی خاص امنیت: امنیت مدنی ملی ایرانی اسلامی است. مبانی اخص امنیت: اطلاعاتی، انتظامی اجتماعی و دفاعی نظامی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مبانی خاص اخص امنیت: امنیت اطلاعاتی است. بدین ترتیب از ناحیه‌ی حکمی مدنی به‌ویژه ایرانی اسلامی که بیش‌ترین دغدغه‌ی آن‌ها پیشرفت مدنی و از جمله با نقطه‌ی آغازین و محوریت عزیمت امنیتی بوده؛ به‌خصوص فارابی، بنیان‌گذار حکمت مدنی فاضلی اسلامی ایرانی از این‌ها در کتاب *اندیشه‌های اهل مدینه‌ی فاضله* (همان، ۷۳) و نیز سیاست مدنی (همان، ۱۳۳) به‌عنوان مبادی یاد می‌نماید. مبادی حکمی، فلسفی و علمی، همان محکومات دینی و اسلامی‌اند.

مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، حسب اصل دوم قانون اساسی به‌ترتیب شامل: توحید، نبوت، معاد، عدالت، امامت و کرامت‌اند. در اصل دوم قانون اساسی بدین ترتیب آمده است:

«جمهور اسلامی، نظامی است برپایه‌ی ایمان به:

۱. خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛

۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

۳. معاد و نقش‌سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا؛

۴. عدل خدا در خلقت و تشریع؛

۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف. اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین(ع)،

ب. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها،

ج. نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند» (قانون اساسی ج.۱.ا.، اصل ۲).

تنها در صورت بروز این مبانی در امنیت ملی الگوسازی امنیت پیشرفت، عملی می‌باشد. به تعبیری، ابتدای امنیت ملی بر این مبانی، امنیت الگوی پیشرفت، الگوی امنیت پیشرفت و الگوی پیشرفت امنیت قابل تبیین، ترسیم، ترویج و تحقق می‌باشد؛ در غیراین صورت دچار امنیت ظنی یا توهمی یعنی ظن و توهم امنیت خواهیم گردید. این امنیت متدانی در قیاس با امنیت متعالی است (ر.ک. صدر، ۱۳۹۴ و لک‌زایی، ۱۳۹۳).

دوم. امنیت ملی در نظام آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

نظام آرمان‌های الگوی امنیتی ملی

امنیت ملی در نظام آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در دو مورد در پیش‌نویس پیشنهادی سند الگوی پایه‌ی پیشرفت تصریح گردیده است. به ترتیب:

۱. الف. «همزیستی (در نسبت با غیرمحارب)»، ب. «یکی. برائت و دیگری مقاومت (در نسبت با محارب)»؛

۲. «بسط؛ الف. امنیت، ب. اقتدار» (سند آرمان‌ها).

امنیت ملی از امنیت ظاهری آغاز شده تا ایمان یعنی امنیت باطنی پیش رفته و تا امان یعنی امنیت متعالی فراز می‌رود. امنیت یعنی صیانت، حفاظت و نگهبانی در مقابل و مقابله با تهدید است؛ دفع و رفع تهدید است. مراد، بازدارندگی امنیتی بوده که تهدید تحقق نیابد. در صورت وقوع، وادارندگی تعدی‌کننده امنیت به رفع ناامنی است. ایمان یعنی توانمندسازی درونی در قبال و

در مقابل و حتی در مقابله با تهدید ناامنی است. امان، یعنی ریشه‌کنی تهدید با ارتقای عقلانیت و آگاهی طرفین که منشا نظری و عملی امنیت و دفع ناامنی بوده و ریشه‌کنی بی‌عدالتی که مبدا عملی و عینی امنیت و رفع ناامنی است. مراد از اقتدار ملی، اعمال حاکمیت (اراده) عمومی و قدرت مدنی در تأمین امنیت ملی می‌باشد.

سوم. امنیت ملی در رسالت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

رسالت الگوی امنیتی ملی

«رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت عقلانی، مومنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست بوم ایران است». با توجه بدین رسالت خطیر، رسالت امنیت ملی و الگوی آن: «تأمین امنیت حرکت عقلانی، مومنانه و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست بوم ایران» (سند رسالت) خواهد بود.

رسالت اصلی: گفتمان‌سازی و الگوسازی امنیت حقیقی و یقینی واقعی است. در قبال و در مقابل‌ریال امنیت غیریقینی ظنی ظاهری تک‌ساحتی است که امنیت ظنی و پنداری و نارسا و ناپایدار می‌باشد. در مقابله با امنیت ضدیقینی توهمی تنازعی کاذب یعنی دروغین است، که توهم امنیت می‌باشد. امنیت خود را در ناامنی دیگران می‌انگارد و می‌جوید. به تعبیر مک‌آیور (۱۳۴۹) در جامعه و حکومت: «صلح (سازی) در داخل و جنگ در خارج است». این امنیت، امپریالیستی است؛ عین یا برآمد آن ناامنی جهانی است.

چهارم. امنیت ملی در افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

افق الگوی امنیتی ملی

امنیت ملی در پیش‌نویس پیشنهادی سند افق الگوی پیشرفت مدنی در سه موضع تصریح گردیده است؛ هم‌چنین در دو موضع دیگر نیز بدان اشارت دارد. البته فراگیر امنیت کشور نیز می‌باشد. بدین ترتیب:

※ ۱. الف) «در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران... از احساس امنیت... در سطح برتر جهانی برخوردارند» (سند افق).

فرای امنیت، احساس امنیت مهم است.

※ ب) «ایران در آن زمان (۱۴۴۴هش)... قدرت کامل برای دفاع بازدارنده از عزت، حاکمیت ملی و استقلال، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را حفظ کرده» (همان).

این را می‌توان امنیت جامع تلقی و تعبیر نمود.

※ ج) «ایران در آن زمان (۱۴۴۴هش) عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی (که مانع و پیش‌گیرانه نزاعات بوده)، ثبات منطقه‌ای و عدالت (جنگ‌زدایی) و صلح جهانی است» (همان).

این برترین راهبرد بازدارندگی امنیتی می‌باشد.

※ ۲. الف)

«ایران ... تا آن زمان، سلامت محیط زیست، پایداری، منابع طبیعی و آب، انرژی و امنیت غذایی با حداقل نابرابری در کشور فراهم شده» (همان).

این مبین امنیت زیست محیطی و منابع راهبردی (استراتژیک) و نیز امنیت غذایی به‌عنوان زیربخشی از امنیت بخش اقتصادی از بخش‌های سه‌گانه امنیت پیشرفت مدنی می‌باشد. تهدیدات طبیعی و زیست‌محیطی به‌ویژه با توجه به قدرت تخریبی که بشر پیدا کرده و تهدیداتی که دشمنان در امنیت غذایی و سلامت تغذیه و بهداشت عمومی می‌توانند داشته باشند، حائز کمال اهمیت است.

※ ب)

«ایران ... تا آن زمان، دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه تأمین شده است» (همان).

این متضمن امنیت قضایی می‌باشد.

افق امنیت، از امنیت اطلاعاتی آغاز شده، به امنیت اطلاعات، انتظامی اجتماعی و امنیت دفاعی نظام می‌رسد. در افق بعدی به امنیت ملی یعنی امنیت مدنی، اجتماعی و سیاسی پیش می‌رود. مراد امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و امنیت فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی است. به تعبیر دیگر، امنیت

توسعه‌ی اقتصادی و تأمین آسایش بدنی می‌باشد. توأمان با امنیت سیاسی و تحقق تعادل ملی است. در جهت امنیت فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی و تضمین آرامش روحی و روحانی باطنی مدنی می‌باشد. از امنیت فروملی و ملی داخلی تا امنیت فراملی منطقه‌ای، جهان اسلام و بین مللی تا جهانی را فرا می‌گیرد. بنابراین افق‌بندی امنیت ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در الگوی امنیتی پیشرفت و الگوی پیشرفت امنیتی هم از حیث تعالی امنیتی است؛ هم از حیث زیربخشی، بخشی، میان‌بخشی تا فرابخشی می‌باشد. هم چنین از حیث گستره‌های فردی، جمعی (خانوادگی و گروهی) و اجتماعی فروملی، ملی داخلی و خارجی تا فراملی امنیت و امنیت این گستره‌ها را فرا می‌گیرد. از امنیت سخت‌افزاری، نیمه‌سخت‌افزاری تا نرم‌افزاری را شامل می‌شود. تا امنیت فراابزاری یعنی امنیت ماهوی و معنوی پیش می‌رود.^۱

پنجم. امنیت ملی در تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی

تدابیر الگوی امنیتی ملی

امنیت ملی در تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پیش‌نویس پیشنهادی مرکز الگوی پیشرفت یا تدابیر الگوی پیشرفت مدنی با رویکرد امنیتی ملی در دو سطح مورد توجه قرار گرفته و قابل طرح می‌باشد. یکی، رویکرد امنیتی ملی اهم تدابیر الگوی پیشرفت مدنی؛ و دیگری، در تدابیر سیاست و حکومت و به‌عنوان زیربخش آن(ها) است.

امنیت از امنیت نظام سیاسی یا امنیت در نظام سیاسی را دربر می‌گیرد. در نگاه نوع اندیشه‌ورزان اسلامی ایرانی به‌ویژه هرچه جدیدتر و نواندیش‌تر استقلال خارجی از سلطه و وابستگی بیگانه و آزادی داخلی از استبداد و سلطه‌ی مطلقه و عقب‌ماندگی مدنی، بستر اصلی امنیتی می‌باشد. همان‌گونه که امنیت نیز متقابلاً در تداوم و تعالی آن‌ها موثر بوده و بلکه تعیین‌کننده است. چنان‌که در گفتمان علامه نایینی می‌بینیم. در نگاه به نظریه و نظام سیاسی مشروطیت اسلامی

۱. امنیت متعالی و مکتب امنیت امام خمینی(ره) فراابزاری است.

مطروحیه از ناحیه‌ی نایینی، دولت و سیاست یعنی تدابیر سیاسی و دولتی حائز کمال اهمیت می‌باشند. در الگوی مشروطیت اسلامی ایشان، در زمینه‌ی ضرورت دولت به چند نکته می‌توان توجه داشت:

اولاً، ضرورت دولت را عمومی، اسلامی و عقلی می‌داند و در این خصوص تصریح می‌نماید: «بدان‌که این معنی نزد جمیع امم مسلم و تمام عقلای عالم بر آن متفقند که ... استقامت نظام عالم و تعیش (زندگانی) نوع بشر متوقف به سلطنت و سیاستی است» (نایینی، ۱۳۶۰، ۶). صرف‌نظر از شکل آن فردی یا جمعی آن «خواه قایم به شخص واحد باشد یا به هیئت جمعی» (همان) و فرای مشروعیّت و عدم مشروعیّت دولت «چه آن‌که تصدی آن به حق باشد یا اغتصاب، به قهر باشد یا به وراثت یا با انتخاب».

ثانیاً، بر خاستگاه مردمی و داخلی دولت و حاکمیت تأکید می‌نماید: «بالضروره معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم چه آن‌که راجع به امتیازات دینی باشد یا وطنی منوط به قیام امارت‌شان است به نوع خودشان» (همان). در غیر این صورت در نظریه‌ی سیاسی وی «الف. جهات امتیاز و ناموس اعظم دین و مذهب و ب. شرف و استقلال وطن و قومیتشان به‌کلی نیست و نابود خواهد بود؛ هرچند به اعلی مدارج ثروت و مکنّت و آبادانی و ترقی مملکت نایل شوند» (همان). از این جهت است که «در شریعت مطهر، (امنیت و ثبات) حفظ نظام و قلمرو اسلام را اهم جمیع تکالیف» (همان) دانسته و برقراری حاکمیت و حکومت اسلام را از «وظایف و شئون امامت مقرر فرموده‌اند» (همان).

در الگوی سیاسی ایشان، سامان‌دهی و مدیریت امور داخلی کشور و دفاع در مقابل تهاجم و یا دخالت بیگانه، ارکان و حدود حاکمیت و دولت را تشکیل می‌دهند. به تعبیر وی: «واضح است که تمام جهات راجع به: الف. توقف نظام عالم به اصل سلطنت و ب. توقف حفظ شرف و قومیت هر قومی به امارت نوع خودشان منتهی به دو اصل است» (همان). یعنی: اول. «۱. حفظ نظامات داخلی مملکت و ۲. تربیت نوع اهالی و ۳. رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و ۴. منع از تعدی و تجاوز آحاد ملت برخی بر برخی دیگر و مانند این‌ها، از وظایف نوعی راجع به مصالح داخلی مملکت و

ملت» (همان). دوم. «۱. تحفظ از مداخله اجانب و ۲. تحذر از حیل معمول در این باب و ۳. تهیه قوه‌ی دفاعی و استعدادات جنگی و غیر این‌ها» (همان)، که به تعبیر وی: «این معنی در الف. زبان متشرعین، حفظ بیضه‌ی اسلام و ب. سایر ملل، حفظ وطنش خوانند» (همان). هم‌چنان که «احکامی که در شریعت مطهر برای اقامه‌ی این دو وظیفه مقرر است احکام سیاسی و تمدنی (بوده و آن‌ها را) جزء دوم از حکمت عملی دانند» (همان). به‌همین سبب «شدت اهتمام سلاطین بزرگ متقدم فارس و روم در انتخاب حکمای کامل در علم و عمل برای وزارت و تصدی و قبول آنان هم با کمال تورع از ترفع قاهرانه از این‌جهت بوده» (همان، ۷-۸). یعنی اقتدار سیاسی مبتنی بر حکمت سیاسی و درعین پرهیز و بازدارندگی از خودکامگی و زورگویی سیاسی منظور نظر بوده است. بلکه «ابتدای جعل سلطنت و وضع خراج و ترتیب سایر قوای نوعی چه از انبیاء(ع) بوده و یا از حکماء، همه برای اقامه‌ی این وظایف و تمشیت این امور بوده» (همان، ۸). همان‌گونه که «در شریعت اسلام هم با تکمیل نواقص و بیان شرایط و قیود آن بر همین وجه مقرر فرموده‌اند» (همان). بدین ترتیب در سند تدابیر الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت اهم موارد ذیل مطرح‌اند:

یکی. رویکرد امنیتی ملی اهم تدابیر الگوی پیشرفت مدنی

امنیت ملی از سویی لازمه‌ی تحقق تمامی اهم دسته‌های هفت‌گانه‌ی تدابیر الگوی پیشرفت می‌باشد؛ از سوی دیگر و به‌نوبه‌ی خود تحقق این تدابیر پیشرفت، تحقق‌بخش امنیت ملی در سطح فراتر است. شامل:

۱. «تدابیر فرهنگ و معنویت» (سند تدابیر ۱):

الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی فرهنگی و معنوی پیشرفت‌اند. ضمن این‌که

ب. تأمین‌کننده‌ی فرهنگ و معنویت امنیت ملی می‌باشند.

۲. «تدابیر علم، نوآوری و فناوری» (همان):

الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی علم، نوآوری و فناوری پیشرفت‌اند. ضمن این‌که

ب. تأمین‌کننده‌ی علم، نوآوری و فناوری امنیت ملی می‌باشند.

۳. «تدابیر اقتصاد و معیشت» (همان، ۲-۱):

- الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی اقتصاد و معیشت پیشرفت‌اند. ضمن این‌که
ب. تأمین‌کننده‌ی اقتصاد و معیشت امنیت ملی می‌باشند.
۴. «تدابیر آمایش و محیط زیست» (همان، ۲):
الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی آمایش و محیط زیست پیشرفت‌اند. ضمن این‌که
ب. تأمین‌کننده‌ی آمایش و محیط زیست امنیت ملی می‌باشند.
۵. «تدابیر عدالت اجتماعی و قضایی» (همان، ۳-۲):
الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی عدالت اجتماعی و قضایی پیشرفت‌اند. ضمن این‌که
ب. تأمین‌کننده‌ی عدالت اجتماعی و قضایی امنیت ملی می‌باشند.
۶. «تدابیر سلامت» (همان):
الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی سلامت پیشرفت‌اند. ضمن این‌که
ب. تأمین‌کننده‌ی سلامت امنیت ملی می‌باشند.
۷. «تدابیر سیاست و حکومت» (همان، ۴-۳):
الف. تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی سیاست و حکومت پیشرفت‌اند. ضمن این‌که
ب. تأمین‌کننده‌ی سیاست و حکومت امنیت ملی می‌باشند.
- می‌توان این تدابیر را به تدابیر بخش‌های سه‌گانه امنیت ملی پیشرفت مدنی تقسیم‌بندی و دسته‌بندی کرده و طبقه‌بندی و تنظیم نمود. شامل:
- الف. تدابیر امنیت اقتصادی ملی یا تدابیر امنیت ملی توسعه اقتصادی پیشرفت مدنی. توامان با
ب. تدابیر امنیت سیاسی ملی یا تدابیر امنیت ملی توسعه (یا تعادل) سیاسی پیشرفت مدنی. در
جهت
- ج. تدابیر امنیت فرهنگی ملی یا تدابیر امنیت ملی تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی پیشرفت
مدنی.
- دیگری امنیت ملی در تدابیر سیاست و حکومت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی است؛ در
این مورد نیز تدابیر هفتگانه امنیت ملی در پیشرفت مدنی و الگوهای آن‌ها مطرح شده‌اند. به ترتیب:

- * (۱) بند ۶ تدابیر سیاست و حکومت: حفظ و تقویت و ثبات سیاسی در تدبیر «حفظ و تقویت مردم سالاری دینی، مشارکت مردمی و ثبات سیاسی» (همان، ۳).
مراد، تدبیر امنیت‌سازی درون‌زا و پایدار سیاسی است.
- * (۲) بند ۷ تدابیر سیاست و حکومت: تقویت ساختار درونی نظام در تدبیر «گسترش و تقویت تشکلهای مردمی به‌منظور افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و تقویت ساختار درونی نظام» (همان).
منظور، تدبیر تأمین امنیت نظام سیاسی می‌باشد.
- * (۳) بند ۸ تدابیر سیاست و حکومت: «پیشگیری از شکل‌گیری تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران و مقابله با نفوذ سیاسی امنیتی بیگانگان» (همان).
این، یکی تدبیر ناامن‌زدایی است؛ دیگری، تدبیر نفوذزدایی امنیتی ملی می‌باشد.
- * (۴) بند ۹ تدابیر سیاست و حکومت: «حفظ و گسترش بسیج مردمی و تقویت بنیه‌ی دفاعی بازدارنده و کسب فناوری‌های دفاعی پیشرفته و بومی» (همان).
تدبیر امنیت بسیجی مورد نظر است.
- * (۶) بند ۱۲ تدابیر سیاست و حکومت: «گسترش دیپلماسی عمومی، تعامل سازنده با کشورها و کمک به حکمیت و صلح بین مللی» (همان). به‌منظور تدبیر تأمین و تضمین امنیت بین مللی و جهانی می‌باشد.
- * (۷) بند ۱۳ تدابیر سیاست و حکومت: «ترویج عقلانیت و روحیه‌ی جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» (همان).
در جهت تأمین و تضمین امنیت منطقه‌ای و اسلامی است.
- امنیت، ولو این‌که جنبه‌ی فرابخشی دارد، ولی در نهایت زیربخش سیاست است؛ هم‌چنان‌که سیاست هم جنبه‌ی کلان بخشی (پلسی) دارد. هم دارای جنبه میان‌بخشی (تعادل) است؛ هم از جنبه‌ی فرابخشی برخوردار است. به‌تعبیر ارسطو (۱۳۶۳) در کتاب «اخلاق نیکوماخوسی» می‌آورد: «خیر، غایت علمی است که از دیگر علوم معتبرتر و افضل‌تر است و این‌چنین علمی، علم

سیاست می‌باشد» (۴). زیرا «این علم است که معین می‌کند چه دانش‌هایی برای یک ملت و تا چه اندازه ضروری هستند و باید تعلیم داده شوند و کدام طبقه از اهالی باید آن را فراگیرند و تا چه اندازه» (همان). چنان‌که «حتی می‌بینیم علومی که مراتب بسیار عالی دارند، مانند علم تدبیر منزل، علم بیان و علم لشکرکشی، تحت عنوان علم سیاست قرار می‌گیرند» (همان). چون «سیاست، علوم دیگر را به خدمت می‌کشد و تجویز می‌کند که چه اموری را باید انجام دهیم و از چه اموری باید بپرهیزیم؛ غایت آن نیز باید جامع غایت‌های علوم دیگر باشد؛ و بالتیجه غرض علم سیاست بالاترین خیر برای بشر است» (همان).

مراد چشم‌انداز کارآمدی، کمال، سعادت، کرامت و بهزیستن مدنی و خاستگاه، جایگاه و نقش امنیت در آن می‌باشد. در مکالمات کنفوسیوس (۱۳۶۷) آمده است:

تزدی گونگ پرسید: آیا "راه راست" در اداره حکومت کدام است؟ استاد (کنفوسیوس) در پاسخ گفت: نخست فراهم آوردن وسایل کافی برای خوراک و پوشاک ملت؛ دوم فراهم ساختن وسایل امن و آسایش در کشور و دفاع آن در برابر حمله‌های دشمنان خارجی؛ و سوم، کوشیدن برای جلب اطمینان مردم نسبت به حکومت. تزی گونگ گفت: اگر حکومتی چاره‌ی دیگر نداشتف جز این‌که یکی از این سه وظیفه را از دست بدهد و فدا کند، کدام یکی از آن‌ها را بایستی برگزیند؟ استاد گفت: بایستی وظیفه‌ی دوم یعنی قوه‌ی لشکری را به‌کنار بگذارد. (۱۳۸)

یعنی حتی کشور بدون نیروی دفاعی در صورت استکام درون می‌پاید؛ یا ممکن است بپاید.

تزی گونگ گفت: اگر حکومت مجبور شود یکی از دو وظیفه‌ی دیگر را هم از دست بدهد، کدام یک را باید فدا کند؟ استاد گفت: فراهم آوردن وسایل خوراک و پوشاک را باید فدا کند؛ زیرا هر ملتی برای خوراک و پوشاک خود خواهد کوشید و هرکسی می‌داند که سرانجام هرکس خواهد مرد. (همان)

یعنی یک کشور حتی با اقتصاد فلج، امکان پایداری و تجدید حیات و تجدید قوا دارد؛ اما «اگر ملتی اطمینان و اعتماد خود را نسبت به حکومت خود کم کند، آن حکومت دیگر نمی‌تواند برقرار و

پایدار بماند» (همان). درواقع، اگر اعتماد سیاسی از دست برود، لشکر جرار و اقتصاد قوی هم اگر داشته باشد، باز فروپاشیده و بلکه فروپاشیده است. کنفوسیوس در موضعی پیش تر مطرح می‌سازد:

اگر حکمرانی فقط به وسیله‌ی قوانین و مجازات‌ها حکومت کند و نظم را در کشور مستقر سازد، مردم در جست‌وجوی راهی برای گریختن از قانون و مجازات برمی‌آیند و وجدان خود را در کارها به کار نمی‌برند. لیکن اگر حکمرانی به وسیله‌ی قوت شخصیت نیک‌سرشت خود فرمان‌روایی کند و به وسیله‌ی فضایل اخلاقی کارهای کشور را سامان بدهد، ملت دارای وجدان می‌شوند و راه راست را خود می‌یابند و خود می‌پیمایند. (همان، ۱۲۸)

هم‌چنین در پاسخ به این پرسش که «چه باید کرد تا ملت سر اطاعت فرود آورد و سرکشی را ترک کند» (همان)، کنفوسیوس جواب می‌دهد: «اگر مردان شریف و نیک‌شیرست و پاک و متدین در سر کارهای دولت بگذاری، آن وقت ملت اطاعت می‌کند و آن‌هایی که کج‌رو و بدسرشت هستند، راست‌رو و نیک‌سرشت می‌شوند و مردم خشنود و مطیع می‌گردند» (همان). چون این امر سبب امنیت و آرامش مدنی و ملی می‌گردد؛ اما «اگر مردم بدفطرت و فرومایه را بر سر کارها بگذاری، ملت را آزرده می‌کنی؛ در نتیجه مردم ناراضی و سرکش می‌شوند» (همان، ۱۲۹). این امر، سبب تنش و تشنج و در نتیجه، ناامنی است.

خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۴) نیز در سیاست مدن کتاب /خلاق ناصری خویش تصریح می‌نماید:

سیاست مُلک (و مَلِک) که ریاست ریاسات باشد بر دو گونه بود و هر یکی را غرضی باشد و لازمی. اما اقسام سیاست، یکی "سیاست فاضله" باشد که آن را "امامت" خوانند و غرض از آن، تکمیل خلق بود و لازمش نیل سعادت؛ و دوم، "سیاست ناقصه" بود که آن را "تغلب" خوانند و غرض از آن، استعباد خلق بود و لازمش نیل شقاوت و مذمت. (۳۰۰)

خواجه تصریح می‌کند:

سائنس اول، تمسک به عدالت کند و رعیت را به جای اصدقا دارد و مدینه را از

خیرات (از حمله امنیت و ثبات) عامه مملو کند و خویشتن را مالک شهوت دارد...
 سایش دوم تمسک به جور کند و رعیت را به جای خول و عبید دارد و مدینه
 پرشور (از جمله ناامنی و بی‌ثباتی) عام کند و خویشتن را بنده‌ی شهوت دارد...
 خیرات عامه: امن بود و سکون و مودت با یک‌دیگر و عدل و عفاف و لطف و وفا
 و امثال آن... شرور عامه: خوف بود و اضطراب و تنازع و جور و حرص و عنف و
 غدر و خیانت و مسخرگی و غیبت و مانند آن. (همان، ۳۰۱)

"خیرات عامه" را می‌توان ذیل شاخصه‌های امنیت و پیشرفت مدنی، و "شرور عامه" را تحت
 شاخصه‌های ناامنی و پس‌رفت مدنی جای داد. در گفتمان و الگوی مدنی خواجه «قوام بدن به
 طبیعت بود و قوام طبیعت به نفس و قوام نفس به عقل» (همان، ۳۰۳)؛ با همین قیاس «قوام مدن
 به ملک بود و قوام ملک به سیاست و قوام سیاست به حکمت» (همان). در این صورت «چون
 حکمت در مدینه متعارف باشد و ناموس حق مقتدا، نظام حاصل بود و توجه به کمال موجود»
 (همان). این به‌معنا و سبب تأمین امنیت و پیشرفت مدنی است. برعکس نیز «اما اگر حکمت
 مفارقت کند، خذلان به ناموس راه یابد و چون خذلان به ناموس راه یابد، زینت ملک برود و فتنه
 پدید آید و رسوم مروت مندرس شود و نعمت به نعمت بدل گردد» (همان). از جمله، نعمت
 امنیت به نعمت ناامنی تبدیل می‌شود. این ترتیب، مسبب ناامنی و از پیشرفت‌ماندگی یا پس‌رفت
 بوده و به‌شمار می‌آید.

امنیت بدین ترتیب را می‌توان الگوی امنیتی امام خمینی نیز نامید (خسروی، ۱۳۹۱). امنیت نرم،
 قدرت نرم، جنگ نرم و همانند این‌ها گرده‌برداری از چنین قدرت و امنیتی است (نای، ۱۳۸۷).

نتیجه‌گیری

یافته‌های علمی جدیدی که حاصل پژوهش نویسنده بود، عبارت است از امنیت ملی در الگوی
 اسلامی ایرانی پیشرفت مدنی. براساس اسناد پنج‌گانه پیشنهادی الگوی اسلامی ایرانی پایه‌ی پیشرفت
 مدنی تهیه‌شده توسط مرکز الگوی پیشرفت مدنی، از یک طرف، در یک‌سو با مبانی عام، نظام
 آرمان‌ها و آرمانی عام، رسالت عام، افق عام و تدابیر عام الگوی پیشرفت مدنی مرتبط بوده و متناسب

است؛ ازسوی دیگر، مبانی، نظام آرمان و آرمانی، رسالت، افق و تدابیر امنیت ملی و الگوی آن قابل استنباط، استخراج و قابل تبیین و ترسیم می‌باشد. از طرف دیگر، در سویی با قدرت ملی و اقتدار ملی تأمین می‌گردد؛ درسوی دیگر به تأمین امنیت کارامدی، بهره‌وری و اثربخشی ملی می‌پردازد. به‌منظور اصلاحی برای ارتقا و تکمیل این سند در راستای دسترسی به الگوی نهایی، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱. پیشنهاد می‌شود امنیت ملی در محورها و اسناد پنج‌گانه‌ی پیشنهادی الگوی اسلامی پیشرفت مدنی برجسته‌تر گردد.

۲. اهم موارد بیش‌تر و منظم‌تر مورد تبیین و ترسیم قرار گیرند:

اول. ساحات دوگانه امنیت؛

الف. امنیت مادی و

ب. امنیت معنوی ملی یا ساحات مادی و معنوی امنیت ملی.

دوم. ابعاد دوگانه‌ی امنیت؛

الف. امنیت باطنی (ایمان) ملی و

ب. امنیت ظاهری ملی و یا ابعاد دوگانه‌ی باطنی و ظاهری امنیت ملی.

سوم. بخش‌های سه‌گانه‌ی امنیت:

الف. امنیت اقتصادی،

ب. امنیت سیاسی و

ج. امنیت فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی

(یا بخش‌های سه‌گانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، توانان با تعادل سیاسی در جهت تعالی فرهنگی؛

معنوی و اخلاقی امنیت ملی و هم‌چنین

چهارم. گستره‌های امنیت:

الف. امنیت فردی،

ب. امنیت جمعی (۱. امنیت خانوادگی و ۲. امنیت گروهی مدنی)،

ج. امنیت اجتماعی؛

۱. امنیت فروملی،

۲. امنیت ملی؛

الف. امنیت داخلی و

ب. امنیت خارجی؛

۳. فراملی؛

الف. امنیت منطقه‌ای،

ب. امنیت جهان اسلام،

ج. امنیت بین مللی تا

د. امنیت جهانی

یا گستره‌های فردی، جمعی و اجتماعی فروملی، ملی داخلی و خارجی تا فراملی؛ منطقه‌ای،

بین‌مللی جهانی امنیت ملی

۳. زیربخش‌های سه‌گانه‌ی امنیت؛

الف. امنیت اطلاعاتی،

ب. امنیت انتظامی اجتماعی و

ج. امنیت دفاعی نظامی، روشن‌تر و منسج‌متر تبیین و ترسیم گردند.

۴. اول، مبانی،

دوم. نظام آرمان‌ها و آرمانی،

سوم. رسالت،

چهارم. افق،

پنجم، تدابیر خاص و عرصه‌ای امنیت ملی الگوی پیشرفت مدنی، با ارجاع و استناد به

اسناد عام و پایه طرح شده و متناسب با آن(ها) تفصیل داده شوند.

منابع

قرآن کریم.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. پیش‌نویس سند اسناد:
اول. سند مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
دوم. سند نظام آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
سوم. سند رسالت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
چهارم. سند افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
پنجم. سند تدابیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۳. آیور، مک (۱۳۴۹). جامعه و حکومت. ترجمه ابراهیم علی کنی. تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
۴. ارسطو (۱۳۶۲). اخلاق نیکوماخوسی. ترجمه احمد احمدی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۱). مکتب امنیتی امام خمینی (ره). تهران: نشر ابرار معاصر.
۶. صدرا، علی‌رضا (۱۳۹۴). هندسه قدرت متعالی؛ رویکرد فلسفی سیاسی دفاع مقدس. در سیاست متعالیه، شماره ۱۱.
۷. طوسی، خواجه‌نصیر (۱۳۶۴). اخلاق ناصری. با تصحیح مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری. تهران: خوارزمی.
۸. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۶۱). اندیشه‌های اهل مدینه فاضله. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: طهوری.
۹. _____ (۱۳۵۷). سیاست مدنی. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.

۱۰. کنفوسیوس (۱۳۶۷). مکالمات. ترجمه کاظم‌زاده ایرانشهر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. لک‌زایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. در سیاست متعالیه، شماره ۵.
۱۲. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید مهدی روحانی و محسن ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۳. نایینی، محمدحسین (۱۳۶۰). تنبیه‌امه و تنزیه‌مله؛ یا حکومت اسلامی. با مقدمه‌ی سید محمود طالقانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.